MEJDS. 2018; 8:67.
Published online 2019 March. **Research Article**

A Model of Marital Adjustment based on Parenting Styles by Mediating the Role of Coping and Disconnection/Rejection Schema

Somayeh Inanloo Ganji[1], *Nader Monirpoor[2], Majid Zargham Hajebi[3]

Author Address
1. PhD candidate, Department of Psychology, Ghom Branch, Islamic Azad University, Ghom, Iran;
2. Assistant professor, Department of Psychology, Ghom Branch, Islamic Azad University, Ghom, Iran;
3.Department of Psychology, Ghom Branch, Islamic Azad University, Ghom, Iran
***Corresponding Author Address:** Department of Psychology, Ghom Branch, Islamic Azad University, Ghom, Iran.
Email: Monirpoor1357@gmail.com

Received: 2018 September 10; **Accepted:** 2018 October 18

Abstract

Background & Objective: One of the most critical periods of life is marriage. The family is the first founder of personality and values and intellectual criteria, which plays a vital role in determining the future and the future's lifestyle, lifestyle, ethics, health, and mental health. The issue of the relationship between parents and children has attracted the opinion of experts and educators for many years. The relationship between children and parents and other members of the family can be considered as a system or network that interacts with each other. This system, directly and indirectly, influences children's ways through different ways of parenting. Each family uses a special form of parenting in the education of their children, influenced by a variety of factors, including cultural, social, political and economic factors. Differences in the core elements of parenting (such as being warm, being involved, age-old requests, supervision, and supervision) make changes in how the child responds to the effects of parents. Parenting styles have both supportive and non-advocacy role. The purpose of this study was to provide a model of marital adjustment based on parenting styles with mediating disconnection/rejection schema and coping strategies.

Methods: The present study was a descriptive study done by correlation method. The statistical population of the present study was couples who referred to welfare counseling centers of Alborz province in 2017. According to the estimates, 570 (50% female) samples selected. The instruments were Marital Adjustment Questionnaire (Spinner, 1976) and Yang-Rae Coping Strategies Questionnaire (1994), Young Parenting Inventory (Young, 1994), and Early Maladaptive Schemas Questionnaire-Short Form (Young, 1988). The used questionnaires had good validity and reliability. Data were analyzed using linear modeling, Pearson correlation and independent t-test using SPSS-22 software.

Results: Pearson correlation results showed a positive and significant correlation between parenting, regeneration strategy, avoidance strategy and disconnection/rejection schema ($p<0.01$). Also, there was a positive and significant correlation between marital adjustment, regeneration strategy and parenting ($p<0.01$), but there was a negative correlation between marital adjustment and disconnection/rejection schema ($p<0.01$). The results of structured modeling of path analysis showed that parenting styles with the mediating role of avoidance, regeneration strategies and disconnection/rejection schema could explain marital adjustment ($p<0.001$).

Conclusion: In general, the findings revealed parenting with the mediator roles of avoidance, regeneration strategies and disconnection/rejection schema in explaining marital adjustment.

Keywords: Marital Adjustment, Coping Strategies, Parenting Style, Disconnection/Rejection Schema.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-02-07]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.91.6]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۳۹۷؛ (۸):۶۷.

انتشار برخط اسفندماه ۱۳۹۷ مقاله پژوهشی اصیل

مدل سازگاری زناشویی براساس سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی طرح‌وارهٔ حوزه طرد/بریدگی و راهبردهای مقابله‌ای

سمیه اینانلو گنجی[۱]، *نادر منیرپور[۲]، مجید ضرغام حاجبی[۳]

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران؛

۲. استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران؛

۳. استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

***آدرس نویسندهٔ مسئول:** گروه روان‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی.

***رایانامه:** Monirpoor1357@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۹شهریور۱۳۹۷؛ **تاریخ پذیرش:** ۲۶مهرماه۱۳۹۷

چکیده

هدف: سازگاری زناشویی به‌معنای ظرفیت سازگاری با مشکلات و توانایی حل آن‌هاست. پژوهشگران امروزه به‌دنبال یافتن عوامل مرتبط با سازگاری زناشویی هستند. هدف پژوهش حاضر ارائهٔ مدل سازگاری زناشویی براساس سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی طرح‌وارهٔ حوزه طرد/بریدگی و راهبردهای مقابله‌ای بود.

روش‌بررسی: مطالعهٔ حاضر به روش همبستگی انجام شد. جامعهٔ آماری پژوهش حاضر، زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاورهٔ بهزیستی استان البرز در سال ۱۳۹۶ بودند. باتوجه به برآوردهای انجام‌شده، ۵۷۰ نفر (۵۰درصد مؤنث و ۵۰درصد مذکر) به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل، پرسشنامهٔ سازگاری زناشویی (اسپینر، ۱۹۷۶)، پرسشنامهٔ راهبردهای مقابله‌ای یانگ ـ رای (۱۹۹۴)، پرسشنامهٔ سبک‌های فرزندپروری ادراک شده (یانگ، ۱۹۹۴) و پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه یانگ ـ فرم کوتاه (یانگ، ۱۹۸۸) بود. داده‌ها با روش همبستگی پیرسون و مدل‌یابی ساختاری تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزار SPSS22 و AMOS23 تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی راهبردهای مقابله‌ای جبران، اجتناب و طرح‌وارهٔ حوزهٔ طرد/بریدگی می‌تواند سازگاری زناشویی را تبیین کند ($p<۰/۰۰۱$).

نتیجه‌گیری: به‌طورکلی یافته‌ها نشان‌دهندهٔ نقش راهبردهای مقابله‌ای جبران، اجتناب و طرح‌وارهٔ حوزهٔ طرد/بریدگی در تبیین سازگاری زناشویی بود.

کلیدواژه‌ها: سازگاری زناشویی، راهبردهای مقابله‌ای، سبک فرزندپروری، طرح‌وارهٔ حوزهٔ طرد/بریدگی.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار ـ غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-02-07]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.91.6]

۱ مقدمه

ازدواج در زمرهٔ تکالیف و سنت‌هایی است که از دیرباز در جوامع بشری به آن توجه شده است. زندگی متأهلی از جمله مقاطع چالش‌انگیز و گاه تنش‌زای دوران حیات هر فرد به شمار می‌آید. گذار به زندگی متأهلی را از مراحل بسیار مشکل انتقال زندگی می‌دانند. ازدواج در همه جوامع نهادی مهم شمرده می‌شود و داشتن زندگی زناشویی موفق تقریباً برای هرکسی یک هدف عمده و آرمانی به شمار می‌رود (۱). به‌طوری‌که در پژوهش استپتو، دیتون و استون نشان داده شده، ازدواج شاد یکی از اولویت‌های زندگی است و ازدواج تعهدی مادام‌العمر است که فقط در حالت‌های اضطراری می‌توان به آن پایان داد (۲). پژوهش‌ها از این موضع حمایت می‌کنند و گفته شده افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد، مطلقه و بیوه‌ها سلامت روان‌شناختی بیشتر و فشار روانی کمتری را تجربه می‌کنند (۳). افزایش شیوع طلاق، به‌عنوان مسئلهٔ اجتماعی، محققان را جهت بررسی عوامل تداوم روابط زناشویی برانگیخته است. با وجود آمار زیاد طلاق، تعجب‌آور نیست که دانشمندان علوم اجتماعی مشتاقانه در پی پاسخ به این سؤال هستند که راز ماندگاری ازدواج‌ها چیست؟ پژوهش‌ها تأکید دارند که درماندگی زناشویی و تعارض زناشویی مخرب، خطرسازترین عوامل در بیشتر اختلالات و آسیب‌های روان‌شناختی به حساب می‌آیند (۴).

از جمله مسائل مهمی که مدنظر مشاوران خانواده و ازدواج بوده، ارائهٔ الگویی برای کسب سازگاری و تفاهم در زوجین است که هم کارکرد پیشگیرانه برای حفظ اساس خانواده دارد و هم افراد بتوانند مشکلات احتمالی پیش‌رو را حل کنند. ازاین‌رو ضروری است عواملی که پیش‌بینی‌کنندهٔ سازگاری در بین زوجین هستند شناسایی و بررسی شوند. سازگاری زناشویی به میزان تفاهم و سهیم شدن در فعالیت‌ها که با خرسندی و موفقیت در زندگی همراه باشد، تعریف می‌شود. سازگاری زناشویی با متغیرهایی نظیر رضایت زناشویی، کیفیت زندگی، رابطهٔ جنسی، مدیریت تعارض، مهارت‌های ارتباطی و ... رابطهٔ مستقیم دارد و از عوامل تعیین‌کنندهٔ بسیار مهم عملکرد بهینهٔ خانواده به شمار می‌رود (۵).

سازگاری در زندگی زناشویی یک فرآیند مستمر و در حال تغییر است (۶). سازگاری زناشویی به‌معنای ظرفیت سازگاری با مشکلات و توانایی حل آن‌هاست (۷). تحقیقات نشان می‌دهد که سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی طی سالیانی که از ازدواج افراد می‌گذرد همچنان همبسته با هم باقی می‌مانند، از طرف دیگر سازگاری زناشویی هریک از زوجین می‌تواند سبب افزایش رضایت از زندگی دیگری شود (۸). سازگاری زناشویی یک زوج در هر زمان نتیجهٔ تعامل متغیرهای متعدد و شرایطی است که رابطهٔ آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۱،۹).

چندین مدل در زمینهٔ سازگاری زناشویی وجود دارد. یکی از مدل‌های بسیار قدیمی، مدل دی‌گاست و زی (۱۰) است. آن‌ها در مدل خود دلیل عدم سازگاری زناشویی را باورهای غیرمنطقی بیان می‌کنند. از طرفی دیگر، مدل باکوم و همکاران پنج طبقه را در سازگاری زناشویی معرفی می‌کند: ۱. توجه انتخابی؛ . اسنادها؛ ۳. انتظارات؛ ۴. فرضیه‌ها و ۵. استانداردها. آن‌ها معتقدند که توجه انتخابی بر روی مشکلات خاص، انتظارات دربارهٔ رفتارهایی که در آینده باید اتفاق بیفتد و استانداردگذاری در زندگی باعث می‌شود سازگاری زناشویی کاهش پیدا کند (۱۱). در مقایسهٔ بین دو مدل، براساس پژوهش‌های مرتبط با درمان‌های شناختی رفتاری، نتایج نشان‌دهندهٔ علت اصلی در باورها و شناخت‌هاست که باعث می‌شود زوجین در مقابل موقعیت‌های استرس‌زا راهبرد اشتباهی انتخاب کنند و در نتیجه رضایت کاهش پیدا می‌کند (۹). درواقع واکنش افراد درمواجهه با شرایط استرس‌زای زندگی به‌منظور انطباق با محیط است تا مجبور نشوند هیجان‌های شدید و استیصال‌کننده را تجربه کنند. راهبردهای مقابله‌ای شامل دو دسته هستند: راهبردهای مقابله‌ای سازگار و راهبردهای مقابله‌ای ناسازگار که شامل جبران افراطی، اجتناب و تسلیم است و در پژوهش مدنظر بررسی می‌گردد (۱۲). لازاروس دو راهبرد را برای مقابله با شرایط استرس‌زا، از هم متمایز کرده است: مقابلهٔ متمرکز بر مسئله و مقابله متمرکز بر هیجان. در رفتار مقابله‌ای متمرکز بر مسئله، فرد برای تغییر مستقیم عوامل تنش‌زا وارد عمل می‌شود. درحالی‌که در رفتار مقابله‌ای متمرکز بر هیجان، توجه فرد بیشتر به تغییر احساسات معطوف به آن است. در مقابلهٔ متمرکز بر هیجان، فرد سعی می‌کند هیجانات خود را کنترل کند (۱۳).

همچنین، همان‌طور که اشاره شد، یکی دیگر از عوامل مهم در شکل‌گیری سازگاری و رضایت زناشویی، باورها و شناخت‌های فرد است (۹). این باورها ممکن است از دوران کودکی همراه فرد باشند که می‌تواند بر رفتارهای فرد در بزرگسالی تأثیر زیادی داشته باشد. درواقع، اعتقاد بر این است که پایه‌های اساسی زندگی زناشویی شکل گرفته از یک‌سری ویژگی‌های بنیادی که از دوران طفولیت تا بزرگسالی شکل می‌گیرد (۹). یکی از ویژگی‌های بنیادی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه است. ازآنجاکه طرح‌واره‌ها بنیادهای شناختی فرد را تشکیل داده و می‌توانند به آن سمت وسو دهند، لذا می‌توان بین طرح‌واره‌های ناسازگاراولیه به‌عنوان بخش زیرین و سخت شناخت‌های افراد که اغلب در دوران تحولی شکل گرفته‌اند، با رفتارهای ناسازگار در مقاطع بعدی رشد افراد، رابطه برقرار کرد (۱۴). یکی از طرح‌واره‌هایی که بر ناسازگاری‌ها تأثیر می‌گذارد، طرح‌وارهٔ حیطهٔ طرد و بریدگی است. طرح‌وارهٔ طرد و بریدگی در خانواده‌هایی شکل می‌گیرد که بی‌عاطفه، سرد، مضایقه‌گر، منزوی، تندخو، غیرقابل‌پیش‌بینی یا بدرفتار هستند. بیمارانی که طرح‌واره‌هایی در این حوزه دارند نمی‌توانند دلبستگی‌های ایمن و رضایت‌بخش با دیگران برقرار کنند. چنین افرادی معتقدند که نیاز آن‌ها به ثبات، امنیت، محبت، عشق و تعلق خاطر برآورده نخواهد شد (۱۵).

به‌طورکلی، اگر بخواهیم دیدگاه بنیادی‌تر به عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی داشته باشیم، بهتر است عواملی که بر راهبردهای مقابله‌ای و طرح‌واره‌های فرد مانند محرومیت اثر می‌گذارند را بررسی کنیم. یکی از عوامل بسیار مهم، سبک‌های فرزندپروری است. از لحاظ نظری شیوه‌های فرزندپروری را به‌عنوان نوعی نگرش و رفتار که سبب فضای عاطفی گسترده شده و تعیین‌کنندهٔ نوع تعامل کودک با پدرومادر است تعریف کرده‌اند. سبک‌های فرزندپروری می‌تواند

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-02-07]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.91.6]

به‌عنوان الگوی رفتاری که مراقبین اولیهٔ کودک، از آن برای تعامل با فرزندان خود استفاده می‌کنند، تعریف شود. این سبک‌ها درواقع یک فضای عاطفی ایجادشده است که رفتار پدرومادر را در آن بیان می‌کند (۱۶).

تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند که عواملی مانند عوامل روانی، اجتماعی، فردی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد بر میزان سازگاری زناشویی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (۱۷،۱۸). پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند سبک‌های مقابله‌ای با تفاهم‌های زناشویی مرتبط است (۱۹). پژوهش‌ها از نقش مؤثر راهبردهای مقابله‌ای به‌خصوص راهبردهای کارآمد جهت ثبات در زندگی مخصوصاً زندگی زناشویی اشاره کرده‌اند (۲۰،۲۱). همچنین، ولفرات، همپل و میلز نشان دادند والدینی که دارای سبک فرزندپروری ادراک‌شده از نوع سهل‌گیر و مقتدرانه هستند دارای راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار هستند (۲۲). نیجهوف و انگلز نشان دادند، دانش آموزانی که دارای والدین سهل‌گیر هستند راهبرد مقابله‌ای مؤثری ندارند (۲۳)؛ بنابراین متغیرهای بررسی در ارتباط با سازگاری زناشویی در این پژوهش شامل راهبردهای مقابله‌ای، طرح‌وارهٔ حیطهٔ طرد/بریدگی و سبک‌های فرزندپروری بود.

به‌لحاظ نظری، عوامل روان‌شناختی دوران کودکی همچون سبک‌های فرزندپروری و طرح‌واره‌ها می‌توانند شکل‌دهندهٔ توانایی‌های روان‌شناختی در دوران بزرگسالی باشند. همچنین، به‌دلیل اینکه امروزه مشکلات بین زوجین رو به افزایش است و طلاق نیز از طرفی دیگر از گذشته بیشتر شده، بنابراین شناسایی عوامل دوران کودکی مانند فرزندپروری و طرح‌وارهٔ طرد و بریدگی و همچنین راهبردهای مقابله‌ای در ارتباط با سازگاری زناشویی باید به‌طور دقیق بررسی شود. اگرچه اکثر پژوهش‌ها ارتباط بین سازگاری زناشویی، سبک‌های فرزندپروری، راهبردهای مقابله‌ای و طرح‌واره‌های ناسازگاری اولیه را نشان داده‌اند، اما به‌طور دقیق در مدل یابی اثرات متغیرها بر سازگاری زناشویی بحث نشده است. پژوهش حاضر، باتوجه به اهمیت زندگی زناشویی و سازگاری آن‌ها و همچنین براساس پایه‌های نظری موجود که تأکید بر نقش اساسی راهبردهای مقابله‌ای، سبک‌های فرزندپروری و طرح‌واره‌ها و شناخت‌های اولیه دارند، هدف ارائهٔ مدل سازگاری زناشویی براساس سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی طرح‌وارهٔ حوزه طرد/بریدگی و راهبردهای مقابله‌ای بود.

۲ روش بررسی

مطالعهٔ حاضر از نوع توصیفی است که به روش همبستگی و تحلیل مسیر انجام شد. جامعهٔ آماری پژوهش حاضر، زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاورهٔ بهزیستی استان البرز در سال ۱۳۹۶ بودند. باتوجه به برآوردهای انجام‌شده با استفاده از جدول مورگان، ۵۷۰ نفر (۵۰ در صد مؤنث و ۵۰ در صد مذکر) نمونه انتخاب شدند. شاخص‌های برآورد حجم نمونه شامل، میزان اندازه‌اثر بالای ۰/۳۵، مقدار خطای ۰/۰۱، فاصله اطمینان ۰/۹۹ و آزمون خی‌دو، جهت گزارش نیکویی برازش بود که باکمک نرم‌افزار G*Power، ۴۴۵ نفر تخمین زده شد. با این حال با درنظرگرفتن احتمال اُفت نمونه به‌دلیل مشکل در پاسخ‌دهی پرسشنامه‌ها، ۵۷۰ نفر نمونه انتخاب شد. شرایط احراز به پژوهش زوجینی بودند که با یکدیگر زندگی مشترک داشتند.

ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامهٔ سازگاری زناشویی، پرسشنامهٔ راهبردهای مقابله‌ای یانگ ـ رای، سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیهٔ یانگ بود.

۱ ـ پرسشنامه سازگاری زناشویی : این پرسشنامه ابزاری ۳۲ سؤالی برای ارزیابی کیفیت رابطهٔ زناشویی از نظر زن و شوهر است که با هم زندگی می‌کنند. این مقیاس در سال ۱۹۷۶ توسط اسپنیر، برای سنجش میزان سازگاری زناشویی تهیه شده است. این مقیاس ۴ بُعد رابطه را می‌سنجد. این چهاربُعد عبارتنداز: رضایت زوجی، توافق زوجی، همبستگی زوجی، ابراز محبت زوجی. کل مقیاس دارای آلفای کرونباخ ۰/۹۶ است که از همسانی درونی زیادی حکایت دارد. همسانی درونی خرده‌مقیاس‌ها بین خوب تا عالی است (رضایت زوجی۰/۹۴، همبستگی زوجی۰/۸۴، توافق زوجی۰/۹۰ و ابرازمحبت زوجی ۰/۷۳). این مقیاس از روایی محتوایی برخوردار بوده و نیز از روایی همزمان نیز برخوردار است و با مقیاس رضایت زناشویی لاک ـ والاس همبستگی دارد. مقیاس نمره‌گذاری زن‌وشوهر سه نوع مقیاس متفاوت رتبه‌بندی به دست می‌دهد. نمرات بیشتر نشان‌دهندهٔ رابطهٔ بهتر و سازگارتراست. سؤالات خرده‌مقیاس‌ها از این قراراست: رضایت زوجی: ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۳۱، ۳۲ ؛ همبستگی زوجی : ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸ ؛ توافق زوجی : ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ ؛ ابراز محبت زوجی: ۴، ۶، ۲۹، ۳۰. نمره‌گذاری براساس مقیاس لیکرت انجام می‌شود و نمرهٔ هر خرده‌مقیاس به‌صورت جمع سؤالات به دست می‌آید (۲۴). در ایران، بهاری و همکاران در سال ۱۳۹۰ روایی و پایایی این پرسشنامه را بررسی کردند. نتایج آن‌ها نشان داد که این پرسشنامه دارای روایی مطلوبی بوده و همچنین پایایی آن ۰/۸۰ است (۳۴).

۲ ـ پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای یانگ ـ رای: پرسشنامه اجتناب یانگ ـ رای (۱۹۹۴) ۴۰ سؤالی بوده که برای بررسی راهبردهای مقابله‌ای اجتنابی طراحی شده است. به هر سؤال نمره‌ای بین ۱ تا ۶ داده می‌شود. راهبردهای مقابله‌ای اجتنابی براساس این پرسشنامه عبارتند از: فکرنکردن به‌طور عمده دربارهٔ مسائل ناخوشایند، سوء مصرف مواد، انکار ناخوشی، کنترل و منطقی‌بودن افراطی، سرکوب خشم، علائم روانی ـ جسمی، گوشه‌گیری و دوری‌گزینی از مردم، انکار خاطرات، اجتناب از طریق خوابیدن/فقدان انرژی، حواس‌پرتی از طریق درگیرشدن در فعالیت‌های مختلف، آرام کردن خود (خوردن، خریدکردن، و جزء آن)، بازداری منفعلانه هیجان‌های ناخوشایند، حواس‌پرتی منفعل، رویاپردازی و اجتناب از موقعیت‌های ناخوشایند. پرسشنامهٔ جبران افراطی یانگ ـ رای (۱۹۹۴) ۴۷ سؤالی است که برای بررسی راهبردهای مقابله‌ای جبران افراطی طراحی شده است. به هر سؤال نمره ۱ تا۶ داده می‌شود. هر سؤال دارای زیربنایی از چند طرح‌وارهٔ مختلف است که راهبردهای مقابله‌ای جبران افراطی چون رفتار انتقادگرایانه، خوداتکایی افراطی، ذهن وسواسی، خوش‌بینی‌بیش‌از حد، رفتارهای تکانشگرانه، ناارزنده‌سازی و ... در پاسخ به طرح‌واره صورت می‌گیرند. نمرات بیشتر نشان‌دهندهٔ وجود جبران افراطی غالب در فرد است. بایرامی و همکاران در سال ۱۳۹۱

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-02-07]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.91.6]

گزارش کردند که ضریب پایایی این پرسشنامه در نمونهٔ ایرانی از طریق دونیمه‌سازی برابر ۰/۷۹ است (۲۵). دراین مطالعه، آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر ۰/۸۲ محاسبه شده است.

۳ـ پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده: یانگ (۱۹۹۴) این پرسشنامه را که یک پرسشنامه خودگزارشی با ۷۲ گویه است برای شناخت ریشه‌های تحولی طرح‌واره‌ها طراحی کرده است. پاسخ‌دهندگان رفتارهای مختلف پدرومادر شان را به صورت جداگانه درجه‌بندی می‌کنند. برای درجه‌بندی در این پرسشنامه از مقیاس لیکرت شش‌درجه‌ای استفاده شده و سؤال‌ها به‌وسیلهٔ طرح‌واره‌ها گروه‌بندی شده‌اند. این ابزار دارای ۱۷ طرح‌وارهٔ محرومیت هیجانی، رهاشدگی /بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی /بدرفتاری، آسیب‌پذیری به ضرر یا بیماری، وابستگی /بی‌کفایتی، نقص /شرم، شکست، اطاعت، ایثارگری، معیارهای سرسختانه، استحقاق /بزرگ‌منشی، خویشتن‌داری / خودانضباطی ناکافی، گرفتار، منفی‌گرایی، بدبینی، بازداری هیجانی و تنبیه، پذیرش‌جویی /جلب توجه است. هر یک از این زیرمقیاس‌ها ریشه‌های تحولی هر یک از طرح‌واره‌ها را نشان می‌دهند. برای مثال زیرمقیاس محرومیت عاطفی ریشهٔ طرح‌وارهٔ محرومیت هیجانی مربوط به پدر یا مادر را نشان می‌دهد (۲۶). در پژوهش صلواتی برای فرم مادر ضریب پایایی ۰/۶۹ و برای فرم پدر ضریب پایایی۰/۸۰ به دست آمده است. میزان پایایی نمرهٔ کل این پرسشنامه در سایر پژوهش‌های انجام‌شده با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰ به دست آمده است. به‌منظور بررسی روایی سازهٔ پرسشنامهٔ فرزندپروری یانگ، همبستگی میان نمرات این ابزار و پرسشنامهٔ طرح‌وارهٔ یانگ بررسی شد؛ نتایج نشان داد که بین نمرات دومقیاس همبستگی معناداری وجود دارد. به‌طورکلی این پرسشنامه دارای روایی و پایایی مطلوبی است (۲۷).

۴ـ پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیهٔ یانگ ـ فرم کوتاه: پرسشنامهٔ طرح‌وارهٔ یانگ فرم کوتاه (YSQ-SF) توسط یانگ در سال ۱۹۸۸ برای اندازه‌گیری ۵ حیطه و زیرمجموعه‌های هر حیطه ساخته شده است. این مقیاس شامل ۷۵ ماده است که در طیف لیکرت ۶ درجه‌ای (کاملاً غلط تا کاملاً درست) پاسخ داده می‌شود. حیطه‌های این پرسشنامه شامل: حیطهٔ عملکرد مختل (شکست در پیشرفت، وابستگی/ بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری در برابر ضرر و بیماری، به‌هم‌ریختگی)، حیطهٔ حدومرزهای مختل (خویشتن‌داری/ خودانضباطی ناکافی و استحقاق)، حیطهٔ انفصال و طرد (محرومیت هیجانی، ترک شدن، بی‌اعتمادی، انزوای اجتماعی/ بیگانگی، نقص/ شرم)، حیطهٔ هدایت‌شدن به وسیلهٔ دیگران (فداکردن، خودقربانی‌کردن، تأییدجویی/ جلب توجه) و حیطهٔ گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری (بازداری هیجانی، معیارهای ناعادلانه، تنبیه، بدبینی/ نگرانی) است. باتوجه به هدف پژوهش از ماده‌های مربوط به طرد و بریدگی استفاده شد و درنهایت نمرهٔ کل این مقیاس بررسی گردید. این حیطه شامل: محرومیت هیجانی (سؤال‌های ۱، ۱۹، ۳۷، ۵۵ و ۷۳)، ترک شدن (سؤال‌های ۲، ۲۰، ۳۸، ۵۶ و ۷۴)، بی‌اعتمادی (سؤال‌های ۳، ۲۱، ۳۹، ۵۷ و ۷۵)، انزوای اجتماعی/ بیگانگی (سؤال‌های ۴، ۲۲، ۴۰، ۵۸ و ۷۶) و نقص/ شرم (سؤال‌های ۵، ۲۳، ۴۱، ۵۹ و ۷۷) است (۲۸). ابراهیمی ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه را بررسی کرد. تحلیل عاملی اکتشافی و چرخش واریماکس برای پرسشنامهٔ طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در زوجین بیست عامل را نشان داد. نتایج به‌دست‌آمده دربارهٔ همسانی کل مقیاس و عوامل بیست‌گانه حاکی از پایایی زیاد مقیاس بود. نتایج حاصل از تعیین پایایی آزمون به روش آزمون‌ـ بازآزمون برابر با r=۰/۸۷ است (۲۹). آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۵ بود.

باتوجه به هدف پژوهش، نمرهٔ سازگاری زناشویی، نمرهٔ کل سبک‌های فرزندپروری، نمرهٔ کل راهبرد مقابله‌ای جبران و راهبرد مقابله‌ای اجتناب و نمرهٔ کل طرح‌واره حیطه طرد و بریدگی تجزیه‌وتحلیل شدند. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی، شامل میانگین و انحراف استاندارد استفاده شد. با توجه به اینکه در پژوهش حاضر روابط میان متغیرها در چارچوب الگوی علّی مطالعه می‌شود، برای بررسی مدل مفروض از آمار استنباطی از نوع همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS-22 و AMOS-23 تحلیل شدند. جهت رعایت اخلاق پژوهشی، تمامی شرکت‌کنندگان پیش از شرکت در پژوهش، فرم رضایت آگاهانه را تکمیل کردند.

۳ یافته‌ها

میانگین (انحراف معیار) سن شرکت‌کنندگان مذکر و مؤنث به ترتیب، ۳۷/۲۸ (۶/۶۰) و ۳۳/۲۷ (۶/۴۹) بود. همچنین میانگین (انحراف معیار) سن کل شرکت‌کنندگان ۳۵/۲۷ (۶/۸۴) بود. ۳۰ درصد از شرکت‌کنندگان دارای مدرک کارشناسی، ۲۰/۲ دارای مدرک دیپلم، ۲۰/۲ دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۱۹/۸ مدرک سیکل و ۹/۸ دارای مدرک فوق دیپلم بودند.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	سازگاری زناشویی	راهبرد مقابله‌ای جبران	راهبرد مقابله‌ای اجتنابی	طرح‌وارهٔ حوزه بریدگی/طرد	سبک‌های فرزندپروری
میانگین	۱۱۰/۴۱	۱۳۶/۴۳	۸۲/۱۲	۵۶/۱۸	۲۰۱/۱۷
انحراف معیار	۱۳/۸۷	۱۹/۲۹	۱۲/۷۲	۱۲/۷۵	۳۶/۹۸

نتایج یافته‌های توصیفی در سطح میانگین (انحراف معیار) نشان داد. میانگین (انحراف معیار) سازگاری زناشویی، راهبرد مقابله‌ای جبران و راهبرد مقابله‌ای اجتنابی به‌ترتیب، ۱۱۰/۴۱ (۱۳/۸۷)، ۱۳۶/۴۳ (۱۹/۲۹) و ۸۲/۱۲ (۱۲/۷۲) بود. همچنین، میانگین (انحراف

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-02-07]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.91.6]

معیار) طرح‌وارهٔ حوزهٔ بریدگی/طرد و فرزندپروری به‌ترتیب، ۵۶/۱۸ (۱۲/۷۵) و ۲۰۱/۱۷ (۳۶/۹۸) بود.

جدول ۲. همبستگی پیرسون بین متغیرهای راهبردهای مقابله‌ای، طرح‌وارهٔ حیطهٔ طرد و بریدگی، فرزندپروری و سازگاری زناشویی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
راهبرد مقابله‌ای جبران	۱				
راهبرد مقابله‌ای اجتناب	۰/۲۸۸**	۱			
طرح‌واره حوزه بریدگی/طرد	-۰/۰۲۰	۰/۰۶۴	۱		
سبک‌های فرزندپروری	۰/۳۱۷**	۰/۴۰۲**	۰/۲۹۵**	۱	
سازگاری زناشویی	۰/۳۱۹**	۰/۰۱۷	-۰/۳۲۵**	۰/۲۵۱**	۱

**p<۰/۰۱

جدول ۲ نشان‌دهندهٔ نتایج همبستگی بین متغیرهای پژوهش است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بین فرزندپروری با راهبرد مقابله‌ای جبران، راهبرد مقابله‌ای اجتناب و طرح‌وارهٔ حوزهٔ بریدگی/طرد ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد (p<۰/۰۱). همچنین، بین سازگاری زناشویی با راهبرد جبران ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد (p<۰/۰۱)، بین سازگاری زناشویی و طرح‌وارهٔ حوزهٔ بریدگی/طرد ارتباط منفی و معنادار بود (p<۰/۰۱). همچنین، بین سازگاری زناشویی و سبک‌های فرزندپروری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد (p<۰/۰۱).

قبل از تحلیل مدل ساختاری، ابتدا نمرهٔ کل هر متغیر به‌عنوان یک نمره از یک متغیر به دست آمد، سپس نرمال‌بودن چندمتغیرهٔ داده‌ها بررسی شد. نتایج نشان داد، داده‌ها به‌صورت چندمتغیره نرمال هستند. برازندگی الگوی پیشنهادی براساس شاخص مجذور خی‌دو، شاخص برازندگی تطبیقی CFI، شاخص نیکویی برازش GFI، شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده AGFI و ریشهٔ خطای میانگین مجذورات تقریب RMSEA بررسی شد. به‌منظور برازش الگو ضروری است که شاخص‌های فوق استانداردهای لازم را داشته باشند. چنانچه شاخص $\chi2/df$ کوچکتر از ۲/۵ باشد، مقدار RSMEA کوچکتر و به صفر نزدیکتر باشد و همچنین شاخص‌های برازش (GFI، AGFI و CFI) به یک نزدیکتر باشند، بیانگر آن است که الگوی پیشنهادی تأیید شده است. نتایج حاصل از بررسی معادلات ساختاری در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳. نیکویی برازش مدل ساختاری

درجه آزادی	خی دو	X^2/Df	RMSEA	GFI	AGFI	CFI	مقدار P
۳	۷	۲/۳۳۳	۰/۰۰۱	۰/۹۷۹	۰/۸۹۵	۰/۹۳۹	<۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، نسبت خی‌دو به درجهٔ آزادی کمتر از ۲/۵ است و میزان RMSEA نزدیک به صفر است. همچنین، مقدار GFI، AGFI و CFI نزدیک به یک می‌باشد. در نتیجه، مدل ارائه‌شده دارای برازش مناسب بود (p<۰/۰۰۱).

جدول ۴. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل جهت پیش‌بینی سازگاری زناشویی

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	مقدار P
فرزندپروری بر سازگاری زناشویی	۰/۱۳۷	-۰/۰۴۳	۰/۰۹۴	<۰/۰۰۱
فرزندپروری بر راهبرد مقابلهٔ اجتناب	۰/۱۳۸	-	۰/۱۳۸	<۰/۰۰۱
فرزندپروری بر راهبرد مقابلهٔ جبران	۰/۱۶۵	-	۰/۱۶۵	<۰/۰۰۱
فرزندپروری بر طرح‌وارهٔ حوزهٔ طرد/بریدگی	۰/۱۰۲	-	۰/۱۰۲	<۰/۰۰۱
راهبرد مقابلهٔ اجتناب بر سازگاری زناشویی	-۰/۱۸۹	-	-۰/۱۸۹	<۰/۰۰۱
راهبرد مقابلهٔ جبران بر سازگاری زناشویی	۰/۱۷۶	-	۰/۱۷۶	<۰/۰۰۱
طرح‌وارهٔ حوزه طرد/بریدگی بر سازگاری زناشویی	-۰/۴۵۳	-	-۰/۴۵۳	<۰/۰۰۱

جدول ۴ نشان‌دهندهٔ میزان اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل هر متغیر نسبت به سازگاری زناشویی است. باتوجه به شکل ۱ و جدول ۳، اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیر فرزندپروری بر سازگاری زناشویی به‌ترتیب، ۰/۱۳۷، ۰/۰۴۳- و ۰/۰۹۴ بود. اعداد مربوط به شکل ۱ که به‌صورت ۱، ۲، ۳و ۴ نمایش داده شده است، میزان خطای برآوردشده متغیرهای وابسته و میانجی است. همانطور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود تمامی ضرایب گردشده ضرایب جدول ۴ هستند. با توجه به شکل ۱، فرزندپروری می‌تواند ۱۰ درصد بر طرح‌وارهٔ حوزهٔ حیطهٔ بریدگی/طرد تأثیر بگذارد، و به‌ترتیب ۱۷ و ۱۴ درصد بر راهبرد مقابله‌ای جبران و اجتناب تأثیر بگذارد. همچنین، تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر سازگاری زناشویی ۱۴ درصد است. طرح‌وارهٔ حوزهٔ حیطهٔ طرد/بریدگی ۴۵٪- بر سازگاری زناشویی تأثیر دارد. همچنین، به‌ترتیب راهبرد جبران و اجتناب، ۱۸ و ۱۹- درصد بر سازگاری زناشویی تأثیر می‌گذارند. درنتیجه، می‌توان گفت که فرزندپروری می‌تواند با درنظرگرفتن نقش میانجی‌گرایانهٔ راهبردهای مقابله‌ای جبران، اجتناب و طرح‌وارهٔ حوزهٔ طرد/بریدگی، مدل مطلوبی را ارائه

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-02-07]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.91.6]

دهد. بدین‌معنا که سبک فرزندپروری باعث اثرگذاری بر طرح‌وارهٔ حوزهٔ حیطهٔ طرد/بریدگی و راهبردهای مقابله‌ای جبران و اجتناب می‌شود و با لحاظ این تعامل، سازگاری زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند.

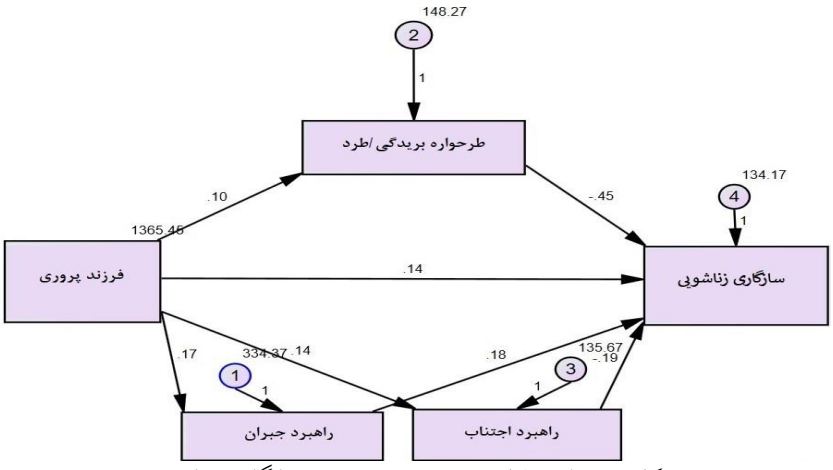

شکل ۱. مدل تحلیل مسیر جهت پیش‌بینی سازگاری زناشویی

۴ بحث

هدف از انجام پژوهش تبیین سازگاری زناشویی براساس سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی راهبردهای مقابله‌ای و طرح‌وارهٔ طرد/بریدگی بود. نتایج نشان داد، سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی راهبردهای جبران، اجتناب و طرح‌وارهٔ طرد/بریدگی می‌تواند سازگاری زناشویی را تبیین کند. اکثر پژوهش‌های پیشین نشان داده بودند که بین راهبردهای مقابله‌ای و سازگاری زوجین ارتباط وجود دارد. به‌عنوان مثال، بومن نشان داد بین رضایت زناشویی و راهبردهای مقابله‌ای ارتباط وجود دارد (۳۰). گاسباریني و همکاران گزارش کردند که راهبردهای مقابله‌ای در رضایت و سازگاری زناشویی نقش دارد (۳۱).

همچنین، نتایج دیگر پژوهش‌ها نشان داده است که بین سبک‌های فرزندپروری، طرح‌واره‌های اولیه و سازگاری زناشویی ارتباط وجود دارد (۲۲،۲۳). با این‌حال، تفاوت اصلی بین یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های پیشین در روش پژوهش بود. در این پژوهش از مدل‌یابی ساختاری جهت تبیین سازگاری زناشویی استفاده شد. درحالی‌که پژوهش‌های قبلی از روش‌های همبستگی و رگرسیون استفاده کرده بودند.

جهت تبیین یافته‌ها می‌توان به نقش اساسی سبک‌های فرزندپروری، راهبردهای مقابله‌ای و طرح‌وارهٔ حوزهٔ طرد/بریدگی در تبیین سازگاری زناشویی اشاره کرد. ابتدا نقش سبک‌های فرزندپروری به‌عنوان یک عامل بنیادی بحث می‌شود. براساس رویکردهای تحولی، سبک‌های فرزندپروری نقش ویژه‌ای را در پیش‌بینی رفتارهای آیندهٔ فرد بازی می‌کند (۱۴،۱۶). فرزندپروری به‌عنوان یک سازه، نه‌تنها با راهبردهای مقابله‌ای، بلکه با طرح‌واره‌های حوزهٔ طرد/بریدگی نیز ارتباط دارد. به‌عنوان مثال، در دوران کودکی، بی‌ثباتی یا بی‌اعتمادی به دریافت محبت و برقراری ارتباط با والدین، به‌طوری‌که فرد احساس می‌کند افراد مهم زندگی‌اش نمی‌توانند حمایت عاطفی و تشویق لازم را به او بدهند، باعث می‌شود تا طرح‌واره‌های فرد به سمت طرد کشیده شود؛ این باعث سردی عاطفی، کاهش رضایت زناشویی و ناسازگاری می‌شود. از طرفی دیگر، باعث می‌شود تا زوجی که این نوع طرح‌واره را دارد، از بیان احساسات و افکار واقعی خود به همسر خود اجتناب کند یا باعث می‌شود تا از همسر خود بیش از حد انتقاد کند. در این راستا، جونز، کاسیدی و شاور تأکید کرده‌اند که فرزندپروری مستقیماً باعث شکل‌گیری شناخت‌ها، احساسات و رفتارها می‌شود (۳۲)؛ بنابراین، نوع واکنش والدین به فرزند خود باعث می‌شود طرح‌واره‌های فرد شکل بگیرد و همچنین باعث می‌شود تا راهبردهای مقابله‌ای به‌شیوهٔ سازگارانه یا ناسازگارانه نمایان شود.

همچنین باتوجه به سبک‌های مقابله‌ای، وقتی زوجین، سبک مقابله‌ای اجتناب را به‌کار می‌برند، سعی می‌کنند زندگی خود را طوری تنظیم کنند که طرح‌واره‌ها هیچ‌وقت فعال نشود. آن‌ها سعی می‌کنند با آگاهی زندگی کنند، انگار که اصلاً طرح‌واره‌ها وجود ندارند. از فکر کردن راجع به طرح‌واره اجتناب می‌کنند و در صورت بروز چنین افکار و تصاویری سعی می‌کنند حواس خود را پرت کنند و اصلاً نمی خواهند طرح‌واره را احساس کنند (۳۳).

همچنین، وقتی زوجین سبک جبران را به کار می‌برند، از طریق فکر، احساس و رفتار و روابط بین فردی به‌گونه‌ای با طرح‌واره می‌جنگند که انگار طرح‌وارهٔ متضادی دارند. آن‌ها احتمالاً سعی می‌کنند تا حد امکان با دوران کودکی خود یعنی زمان شکل‌گیری طرح‌واره‌ها متفاوت باشند. اگر در دوران کودکی احساس بی‌ارزشی می‌کرده‌اند، بعداً در دوران بزرگسالی، تلاش می‌کنند افرادی بی‌عیب و نقص جلوه کنند. اگر در کودکی مطیع بوده‌اند، در بزرگسالی رودرروی همه می‌ایستند. جبران افراطی‌زا می‌تواند به‌عنوان تلاشی نسبتاً سالم جهت حملهٔ متقابل علیه طرح‌واره در نظر گرفت که متأسفانه به هدف خود دست نمی‌یابد و به جای بهبود طرح‌واره به تداوم طرح‌واره منجر می‌شود (۳۵). درواقع براساس مدل ارائه‌شده به نظر می‌رسد، زمانی‌که زوجین از راهبرد جبران استفاده می‌کنند، احتمالاً به‌دنبال مطیع‌ساختن زوج

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-02-07]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.91.6]

خود هستند و در برابر از زوج خود ارزشمندبودن و احترام‌گذاشتن بیشتری را طلب می‌کنند.

۵ نتیجه‌گیری

به‌طورکلی یافته‌ها نشان‌دهندهٔ نقش راهبردهای مقابله‌ای جبران، اجتناب، و طرح‌وارهٔ حوزهٔ طرد/بریدگی در تبیین سازگاری زناشویی بود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی جهت تبیین سازگاری زناشویی مدل ارائه شده را مجدداً در فرهنگ‌های مختلف آزمون نمایند تا اعتبار نتایج پژوهش حاضر بررسی دقیق‌تر شود.

۶ تشکر و قدردانی

این مقاله مستخرج از رسالهٔ دکتری دانشگاه آزاد واحد قم است. از مساعدت شرکت‌کنندگان در این پژوهش تشکر و قدردانی می‌کنیم.

References

1. Myers JE, Madathil J, Tingle LR. Marriage satisfaction and wellness in India and the United States: A preliminary comparison of arranged marriages and marriages of choice. J Couns Dev. 2005;83(2):183-90. Doi: 10.1002/j.1556-6678.2005.tb00595.x
2. Steptoe A, Deaton A, Stone AA. Subjective wellbeing, health, and ageing. Lancet. 2015;385(9968):640-8. doi: 10.1016/S0140-6736(13)61489-0
3. Noorbala AA, Faghihzadeh S, Kamali K, Bagheri Yazdi SA, Hajebi A, Mousavi MT, et al. Mental Health Survey of the Iranian Adult Population in 2015. Arch Iran Med. 2017;20(3).
4. Lucas-Thompson RG, Lunkenheimer ES, Dumitrache A. Associations between marital conflict and adolescent conflict appraisals, stress physiology, and mental health. J Clin Child Adolesc Psychol. 2017;46(3):379-93. Doi: 10.1080/15374416.2015.1046179
5. Schumacher JA, Leonard KE. Husbands' and wives' marital adjustment, verbal aggression, and physical aggression as longitudinal predictors of physical aggression in early marriage. J Consult Clin Psychol. 2005;73(1):28. [Link]
6. Manyam SB, Junior VY. Marital adjustment trend in Asian Indian families. J Coup Rel Ther. 2014;13(2):114-32. Doi: 10.1080/15332691.2013.852491
7. Madathil J, Benshoff JM. Importance of marital characteristics and marital satisfaction: A comparison of Asian Indians in arranged marriages and Americans in marriages of choice. Fam J. 2008; 16(3):222-30. Doi: 10.1177/1066480708317504
8. Be D, Whisman MA, Uebelacker LA. Prospective associations between marital adjustment and life satisfaction. Per Rel. 2013;20(4):728-39. Doi: 10.1111/pere.12011
9. Hamamci Z. Dysfunctional relationship beliefs in marital satisfaction and adjustment Soc Behav Pers. 2005;33(4):313-28.
10. DiGiuseppe R, Zee C. A rational-emotive theory of marital dysfunction and marital therapy. J Ration Emot Cogn Behav Ther. 1986;4(1):22-37. Doi: 10.1007/BF01073478
11. Baucom DH, Epstein N, Sayers SL, Sher TG. The role of cognitions in marital relationships: Definitional, methodological, and conceptual issues. J Consult Clin Psychol. 1989;57(1):31.
12. Sirois FM, Molnar DS, Hirsch JK. Self-compassion, stress, and coping in the context of chronic illness. Sel Ide. 2015;14(3):334-47. Doi: 10.1080/15298868.2014.996249
13. Lazarus RS. Coping theory and research: Past, present, and future. Fifty years of the research and theory of RS Lazarus: An analysis of historical and perennial issues. 1993, pp:366-88.
14. Thimm JC. Personality and early maladaptive schemas: A five-factor model perspective. J Behav Ther Exp Psychiatry. 2010;41(4):373-80. Doi: 10.1016/j.jbtep.2010.03.009
15. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. Schema therapy: A practitioner's guide. Guilford Press; 2003.
16. Durbin DL, Darling N, Steinberg L, Brown BB. Parenting style and peer group membership among European-American adolescents. J Res Adolesc. 1993; 3 (1) : 87- 100. Doi: 10.1207/s15327795jra0301_5
17. Schulz MS, Cowan PA, Pape Cowan C, Brennan RT. Coming home upset: Gender, marital satisfaction, and the daily spillover of workday experience into couple interactions. J Fam Psychol. 2004;18(1):250.
18. Litzinger S, Gordon KC. Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. J Sex Marital Ther. 2005;31(5):409-24. Doi: 10.1080/00926230591006719

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-02-07]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.91.6]

19. Hetherington EM. I. Coping with marital transitions: A family systems perspective. Monogr Soc Res Child Dev. 1992;57(2-3):1-4. Doi: 10.1111/j.1540-5834.1992.tb00300.x
20. Wunderer E, Schneewind KA. The relationship between marital standards, dyadic coping and marital satisfaction. Eur J Soc Psy. 2008;38(3):462-76. Doi: 10.1002/ejsp.405
21. Bodenmann G, Pihet S, Kayser K. The relationship between dyadic coping and marital quality: A 2-year longitudinal study. J Fam Psy. 2006;20(3):485.
22. Wolfradt U, Hempel S, Miles JN. Perceived parenting styles, depersonalisation, anxiety and coping behaviour in adolescents. Pers Individ Dif. 2003;34(3):521-32. Doi: 10.1016/S0191-8869(02)00092-2
23. Nijhof KS, Engels RC. Parenting styles, coping strategies, and the expression of homesickness. J Adolesc. 2007;30(5):709-20. Doi: 10.1016/j.adolescence.2006.11.009
24. Besharat MA, Tashk A, Rezazadeh MR. Explaining the role of coping styles in marital satisfaction and mental health. Cont Psy. 2006; 1(1):48-56.
25. Bayrami M, Bakhshipor A, Esmaeili A. The relationship between coping styles and early maladaptive schemas in disconnection-rejection and over vigilance-inhibition in young's schema model. J Life Sci Bio. 2012;2(4):178-81.
26. Sheffield A, Waller G, Emanuelli F, Murray J. Is comorbidity in the eating disorders related to perceptions of parenting? Criterion validity of the revised Young Parenting Inventory. Eat Behav. 2006;7(1):37-45. Doi: 10.1016/j.eatbeh.2005.05.009
27. Salavati M. The dominant schemas and the effectiveness of schema therapy in female patients with borderline personality disorder [PhD. Thesis]. Psychiatric Institute of Tehran, Iran; 2007.
28. Oei TP, Baranoff J. Young Schema Questionnaire: Review of psychometric and measurement issues. Aust Psychol. 2007;59(2):78-86. Doi: 10.1080/00049530601148397
29. Ebrahimi M. Psychometric properties of maladaptive yang questionnaire and its relationship with stress coping strategies in couples in Tehran [MA Thesis]. Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Iran; 2015.
30. Bowman ML. Coping efforts and marital satisfaction: Measuring marital coping and its correlates. J Marriage Fam. 1990:463-74.
31. Gasbarrini MF, Snyder DK, Iafrate R, Bertoni A, Donato S, Margola D. Investigating the relation between shared stressors and marital satisfaction: The moderating effects of dyadic coping and communication. Fami Sci. 2015;6(1):143-9. Doi: 10.1080/19424620.2015.1082044
32. Jones JD, Cassidy J, Shaver PR. Parents' self-reported attachment styles: A review of links with parenting behaviors, emotions, and cognitions. Pers Soc Psychol Rev. 2015;19(1):44-76. Doi: 10.1177/1088868314541858
33. Van Vreeswijk M, Broersen J, Nadort M. The Wiley-Blackwell handbook of schema therapy: Theory, research, and practice. John Wiley & Sons; 2015.
34. Nemati Sogolitappeh F, Mohamadyfar MA, Khaledian M. The Effect of Cognitive Behavioral Therapy on Marital Conflict and Marital Adjustment in Addicts. J Res Addic. 2017;11(43):11-30.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-02-07]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1397.8.0.91.6]